

ابزارهای معرفت‌شناسی در جهاد تبیین از منظر اسلام

فریاحسن زاده^۱

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ابزارهای معرفت‌شناسی در جهاد تبیین از منظر اسلام پرداخته است. جهاد تبیین به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی و دینی در قرآن و سنت پیامبر اسلام مطرح شده و بر تبیین حقیقت، روشن‌سازی مفاهیم و هدایت مردم تأکید دارد. ابزارهای معرفت‌شناسی در این حوزه شامل منابع مختلفی مانند قرآن، حدیث، عقل، تجربه و علم است که در راستای انتقال درست مفاهیم دینی و فرهنگی به کار می‌روند. در جهاد تبیین، هدف اصلی نه تنها آگاهی‌بخشی به افراد، بلکه تشویق به تفکر عمیق، تحلیل صحیح و پذیرش اصول اسلامی است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و شیوه تحلیلی با تمرکز بر اصول معرفت‌شناسی اسلامی و تأثیر آن در تبیین آموزه‌های دینی، به بررسی تأثیر ابزارهایی مانند عقل، حواس، فطرت و قرآن و تفکر انتقادی در روند جهاد تبیین پرداخته است. همچنین، جهاد تبیین از منظر اسلامی نه تنها به‌عنوان یک فعالیت معرفتی، بلکه به‌عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و نقش آن در مقابله با شبهات و تبلیغات غلط دشمنان اسلام تحلیل می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جهاد تبیین، روشنگری، بصیرت و شبهه‌زدایی در برابر هدف دشمن شامل سیاه‌نمایی و قدمها که شبهه‌پراکنی و تردید افکنی و عبارتی خنثی‌سازی حرکت دشمنان در برابر تحریف یا انحراف و فریب و اغواگری می‌باشد. در زبان عربی نیز واژه معرفت به معنای شناخت، آگاهی، یا دانش است. معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت، شاخه‌ای از فلسفه است که به ماهیت، منابع و حدود مرزهای حکمت یا معرفت می‌پردازد. ابزارهای معرفت‌شناختی که می‌توان در جهاد تبیین از آنها بهره‌برد عقل، وحی و قرآن و فطرت می‌باشند. ابزارهای آن نیز عقل، فطرت، وحی و قرآن می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: ابزار، معرفت‌شناسی، جهاد تبیین.

مقدمه

معرفت شناسی نگاهی است از بیرون و از بالا به معارف دینی که درون یک حوزه معرفت دینی محصور و خلاصه نشده و جهانی فراختر از یک یا دو حوزه از معارف دینی را شامل می شود؛ به طوری که جهان او با کل جهان معارف دینی مساوی است. معرفت شناسی دینی به توصیف معارف دینی می پردازد؛ یعنی می کوشد آنچه را که در دنیای معارف دینی اتفاق افتاده است، تحلیل کند و به کرسی داوری بنشاند. خود این معارف نیز در معرفت شناسی دینی از معیارهای خاص معاصر پیروی می کنند. محور معرفت شناسی دینی، گزاره ها و آموزه های دینی است و در این میان، اعتقاد به خدا حساسیتی ویژه دارد.

در مورد اهمیت معرفت شناسی در جهاد تبیین، باید عنوان نمود که معرفت شناسی باید در متن انقلاب انجام گیرد، یعنی جهاد تبیین در مرور و شناخت ریشه ها، اندیشه ها، باورها و عوامل تأثیرگذاری که انقلاب اسلامی را ایجاد کرده است و امروز اگر بخواهیم تحولی ایجاد شود، این «تحول» باید مبتنی بر پایه آن معرفت شناسی باشد وگرنه اگر تحولی هم انجام شود، تحول مطلوب انقلاب اسلامی نیست.

معرفت شناسی انقلاب یعنی مرور و شناخت ریشه ها، اندیشه ها، باورها و عوامل تأثیرگذاری که انقلاب اسلامی را ایجاد کرده است و امروز اگر بخواهیم تحولی ایجاد شود، این «تحول» باید مبتنی بر پایه آن معرفت شناسی باشد وگرنه اگر تحولی هم انجام شود، تحول مطلوب انقلاب اسلامی نیست.

باور به خدا در انقلاب مخصوصاً در دوره دفاع مقدس را می توان مثال زد. وقتی امام فرمود خدا خرمشهر را آزاد کرد، خدا نصرت الهی ایجاد کرد، اصلاً انسان خدا را در کنار خود احساس می کرد؛ و حقیقتاً آیاتی که در جهاد نازل شده بود را آن جا می دید. «وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» ای پیامبر شما نبودید که تیر می زدید و دشمن را می کشتید، ما بودیم. این باور ایجاد شده بود. امروز با معرفت شناسی در جهاد تبیین می خواهیم این باور معرفت شناسی شود.

با انقلاب نوع شناخت ما از انسانیت تغییر کرد. ما فهمیدیم انسان خلیفه الله است. در آن دوران می گفتند خدا، شاه، میهن. یعنی انسانیت هم بخشی از میهن بود. در حالی که بعد از انقلاب در قانون اساسی آوردند که حاکمیت خدا مستقیماً به انسان ها می رسد. همچنین شناخت ما از آزادی، از استقلال، از معنویت، از حق، از تکلیف، این ها چیزهایی است که حقیقتاً بعد از انقلاب ایجاد شدند. انقلاب یک روایت جدیدی از انسان بودن، مدیریت، حکومت، خدا و زندگی ایجاد کرد که قبلاً نبود.

در این مقاله با روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی به سؤالاتی از قبیل ماهیت جهاد تبیین در فلسفه چیست؟ و انواع ابزارهای معرفت شناسی در جهاد تبیین چه می باشد؟ پاسخ می گوید. هدف این مقاله بررسی ابزارهای معرفت شناسی دینی که در جهاد تبیین مورد استفاده قرار می گیرد مانند عقل، حواس، فطرت و قرآن می باشد.

الف: مفهوم شناسی

در زیر به بررسی مفاهیم جهاد، تبیین و جهاد تبیین و معرفت شناسی در لغت و اصطلاح پرداخته می شود.

۱- جهاد

«جهاد» به معنای کوشش کردن، کوشیدن، جنگ کردن در راه دین حق می باشد.^۱ جهاد در راه خدا، مبارزه فی سبیل الله^۲ جهاد در دین مبین اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار می باشد که خداوند در قرآن کریم فرمود:

«ان الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئک هم الفائزون».^۳

جهاد از ریشه لغوی «جهد» به معنای سعی و تلاش و کوشش می باشد و جهاد بماهو جهاد، امری مقدس و ارزشمند است و تفاوتی نمی کند جهاد در چه عرصه ای و زمینه ای باشد جهاد دفاعی یا علمی یا سیاسی یا خدمت رسانی و... و این نکته، خود، از زیبایی های کامل ترین دین آسمانی می باشد که امر ج هاد را برای تمامی مسلمین در هر صنف و شغلی که هستند تأکید نموده جهاد به معنای مبارزه علیه آنچه بر خلاف روند واقعی خود است جهاد تلاش برای رسیدن به آرمانی مقدس و سعادت دنیوی و اخروی است.^۴

جهاد تبیین همان جهاد آگاه سازی می باشد و آیه اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ (آیه ۴۴ سوره نحل)، اولین وظیفه پیامبر را در سالهای نخستین بعثت در شهر مکه، وظیفه جهاد تبیین بر می شمرد.

جهاد تبیین برخلاف جهاد نظامی نیاز به عِدّه (افراد) و عِدّه (تجهیزات) نمی باشد، اقدامات حضرت زهرا س بعد از سقیفه یا ایستادگی حضرت امام خمینی (ره) در مقابله "کاپیتولاسیون" از مصداق های بارز جهاد تبیین می باشد.

۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۴۷۹

۲- بندر ریگی، محمد، لغت عربی به فارسی، ص ۷۷

۳- توبه: ۲۰

۴- یاراحمدی خراسانی، علی، جهاد تبیین، شماره ۲۲۶، ص ۱۰-۹

۲- تبیین

واژه «تبیین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است؛ لذا «بینه» به چیزی گفته می شود که دلیل روشن و آشکاری است، خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است «بینه» اطلاق می شود. به معجزات انبیاء نیز «بینه» گفته شده است، و «بیان» به معنای پرده برداری از چیزی است، خواه به وسیله نطق بوده باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال.^۱

۳- جهاد تبیین

جهاد تبیین، روشنگری، بصیرت، آگاهی بخشی، خنثی کردن تهدیدات و تحریفات، شبهه زدایی در برابر هدف دشمن شامل سیاه نمایی، وارونه نمایی، ساختارشکنی ذهنی، یاس و ناامیدی، سست انگیزه ها و قدمها که شبهه پراکنی و تردید افکنی بوده و مانند موربانه و ویروس وقتی شبهه وارد ذهن شود، و خارج کردن آن مشکل بوده و مانند یک بیماری مضمّن می شود. و عبارتی خنثی سازی حرکت دشمنان در برابر تحریف یا انحراف و فریب و اغواگری می باشد.

اهمیت این روش جهاد تبیین اکسیر بصیرت افزایی، جامعه را در برابر تهدیدات مهلک مثل واکسن مصون میکند.

جهاد تبیین در دو وجه ضرورت می یابد؛ یکی بر اساس معنای خاص جهاد یعنی تقابل و مبارزه با دشمن و دیگری برحسب معنای عام آن، یعنی جهاد برای تبیین حقیقت برای ذات حقیقت که مصداق اتم آن همان انسان کامل و امام عدل (عج) است، و ناگفته نماند که این دو وجه با یکدیگر تعارض و تضاد ندارند؛ بلکه دو روی یک حقیقت هستند.

قرآن، کتابی مبین و روشن است^۲؛ این بیان و مبین بودن قرآن به معنای آن است که خود نه تنها روشن و آشکار است، بلکه می تواند امور دیگر را روشن کند و از تاریکی ناشناختگی و به آمیختگی غیر قابل شناخت بیرون آورد؛ از همین رو خدا در توصیف قرآن می فرماید: و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء، ما بر تو کتاب را فرو فرستادیم که تبیان و روشنگر هر چیزی است.^۳ بنابراین، چیزی در هستی مورد نیاز انسان نیست، مگر آنکه خدا در قرآن، آن را به شکل کاملاً روشن بیان کرده و همچون چراغی آن را از تاریکی جهالت

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲- آل عمران، آیه ۱۳۸

۳- نحل، آیه ۸۹

به روشنایی علم و دانش وارد ساخته است تا انسان بتواند در سایه قرآن، حقیقت را از باطل باز شناسد و گرایش‌ها و گریزش‌های خویش را بدان تنظیم کند.^۱

در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران می‌خوانیم: «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ أَنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ما آیات را برای شما بیان کردیم اگر بیندیشید». در آیه ۴۴ سوره نحل می‌فرماید «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ قطعاً یکی از تکالیف انبیا عموماً و رسول الله (ص) خصوصاً تبیین است. براساس آیه ۵۲ سوره فرقان، جهاد تبیین در طول جهاد اکبر توصیف شده است: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ ای پیامبر از کفار اطاعت نکن و با آنها مجاهده کن و به وسیله قرآن با آنها جهاد کبیر راه بینداز.

انذار و آگاهی دادن، در قرآن کریم نشان از اهمیت این موضوع دارد که حتی از هشدار دادن حیوانات نیز سخن می‌گوید. حضرت سلیمان با لشکر خود حرکت می‌کرد تا به نزدیکی مسیر مورچگان رسیدند. یکی از مورچه‌ها بانگ برآورد که ای مورچگان! به خانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند: حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ». بنابراین بنا به فرموده قرآن کریم هر جا که خطرات، موجودیت قومی را تهدید می‌کرده، همواره هشدار دهندگانی حضور داشته‌اند: و هیچ امتی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده‌ای بوده است.^۲ همه مسلمین وظیفه و مسئولیت دارند که به جهاد تبیین اقدام کرده و حقایق را به گونه‌ای بیان کنند که دشمن نتواند فتنه‌گری کند. "قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعلى‌ها و ما انا عليكم بحفيظ؛ آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف پروردگارتان آمد، پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس که کور بماند خود در زیان افتاد، و من نگهبان شما نیستم." (انعام، آیه ۱۰۴) امام خامنه‌ای نیز فرموده‌اند: «خیلی از حقایق است که باید تبیین بشود. درقبال این حرکت گمراه کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تاثیرگذاری بر افکار عمومی، که یکی از اهداف بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است» و یا حرکت تبیین خنثی کننده این توطئه دشمن است و افکار صحیح و درست را منتشر کنید.

۱- همان.

۲- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص ۹۹

رهیافت استاد در وقوف بر نظریه فطرت، رهیافت درون دینی است. وی با مراجعه به قرآن، نهج البلاغه و به طور کلی سنت، این نظریه را برگرفته است -در منابع اسلامی (قرآن و سنت)، روی اصل فطرت تکیه فراوان شده است. ظاهراً این کلمه قبل از قرآن سابقه ای ندارد. در قرآن، لغت «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است.

آنچه از نظر معارف اسلامی، فطری انسان است، یک چیز نیست، بلکه انسان فطریاتی دارد که از فطرت سرچشمه می گیرند و یا از عوامل بیرونی ناشی می شوند. در شقّ دوم، نیازهای مادی و معیشتی سرچشمه علم، عدالت، خیر، اخلاق و... می گردد و این هم به معنای فرو ریختن هر گونه ارزش های انسانی است. استدلال استاد، قیاس ذووجهین موجب بسیط است و استحکام آن منوط به منع خلو بودن مقدمه منفصله و صدق شرطی متصله و دیگر مقدمات استدلال است. استاد در اثبات فطریات، وجدان و فطری انگاری آنها را نیز منطقی می داند. نظریه فطرت به دو معنا با «تبیین» به مفهوم منطقی ارتباط دارد: اولاً، آن محسوس نیست، بلکه معقول است و مفهوم تبیینی می باشد؛ یعنی در تبیین عده ای از امور (احساسات و ادراکات) به فطری بودن آنها تمسک کرده ایم. به تعبیر استاد، توجیهی وجود ندارد جز آن که بگوییم این مقوله ها فطری اند. ثانیاً، فطرت می تواند نظریه ای در تبیین بسیاری از امور باشد که در واقع موضوع اصلی نوشتار حاضر است. به عنوان مثال، فطرت می تواند جهان شمولی و ثبات ارزش های اخلاقی را تبیین کند.

در مواضعی که یک نظریه، هم حاصل تبیین است و هم عامل تبیین، امکان وقوع در قیاس دوری وجود دارد؛ یعنی اگر بگوییم این مقوله ها فطری اند -زیرا در غیر این صورت نسبت اخلاق لازم می آید- و در اثبات مطلق بودن اخلاق نیز استناد به فطرت اخلاق بنماییم، دچار قیاس دوری شده ایم. البته ادعا این نیست که در آثار استاد مطهری چنین قیاسی وجود دارد، اما توجه به آن، فهم ما را از نظریه استاد در خصوص فطرت و نقش مبنایی آن در اندیشه ایشان عمیق تر می کند.

نظریه فطرت، نتایج معرفتی فراوانی در دین پژوهی استاد، به خصوص در مباحث معرفت شناختی و خداشناسی به میان آورده است.^۱

در مقام بحث از نظریه فطرت نیز به همین امر اشاره می کند: «اگر ما، اصول فطری تفکرات را منکر باشیم، برای هیچ دریافتی و هیچ علمی، ارزش باقی نمی ماند. آن چیزی که به منزله اصل اولی و به اصطلاح، اصل معارف دین است، خداشناسی است. ایشان نظریه فطرت را به مثابه روش خداشناسی به کار می گیرد و آن شامل هر دو قسم فطرت عقل و فطرت دل است. سرشت آدمی خداخواه است و خداآگاه. به همین دلیل هر کس خود را بشناسد، خدای خود را خواهد شناخت. ایشان در جلد پنجم اصول فلسفه و روش رئالیسم، نیز بر فطری بودن اصل خداشناسی تأکید کرده است.

۱ - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۱۵۳.

استاد، نه تنها وجود خدا، بلکه اصل رستاخیز را آن گونه که قرآن عرضه می دارد، فطری می داند. اعتقاد به رستاخیز در مفهومی قرآنی - که همان «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ، است - فطری است . بنابراین، هم شناخت انسان از خدا و هم گرایش به خدا، هر دو فطری اند.^۱

براهین وجودی نیز از این قبیل اند. بنابراین اگر قضیه خداوند وجود دارد، از این دسته اولیات یا شبه اولیات باشد، اقامه برهان بر آن بی فایده نخواهد بود، گرچه مجهولی معلوم نمی شود، ولی دست کم، نشان داده می شود که نفی آن مستلزم تناقض است.^۲

۱ - مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرزها، ص ۱۱
۲ - فعالی، محمد تقی، معرفت شناسی دینی، ص ۱۲۳-۱۲۵

نتیجه‌گیری

جهاد تبیین، روشنگری، بصیرت، آگاهی بخشی، خنثی کردن تهدیدات و تحریفات، شبهه زدایی در برابر هدف دشمن شامل سیاه نمایی و قدمها که شبهه پراکنی و تردید افکنی بوده و مانند موریانه و ویروس وقتی شبهه وارد ذهن شود، و خارج کردن آن مشکل بوده و مانند یک بیماری مضمّن می شود. و بعبارتی خنثی سازی حرکت دشمنان در برابر تحریف یا انحراف و فریب و اغواگری می باشد. در زبان عربی نیز واژه معرفت به معنای شناخت، آگاهی، یا دانش است.

معرفت شناسی یا نظریه معرفت، شاخه ای از فلسفه است که به ماهیت، منابع و حدود مرزهای حکمت یا معرفت می پردازد. ابزارهای معرفت شناختی که می توان در جهاد تبیین از آنها بهره برد عقل، وحی و قرآن و فطرت می باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور؛ محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳. انصاری، حمید، انقلاب اسلامی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به، تهران ۱۳۷۷.
۴. بندر ریگی، محمد فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی: ترجمه کامل المنجد الابدی، تهران، حیدری، چ نهم
۵. راغب اصفهانی، محمد، مفردات قرآن، دار الهجره. قم، ۱۳۷۲
۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۷. فراهیدی، خلیل بن احمد کتاب العین، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴،
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۶ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۳۷۵ ه.ش
۹. فعالی، محمد تقی، معرفت شناسی دینی، اصفهان، هشت بهشت، ۱۳۷۸
۱۰. فیاضی، غلامرضا، درآمدی بر معرفت شناسی، تدوین و نگارش: مرتضی رضایی و احمدحسین ۱۳۸۷،
۱۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس محیط، ناشران: دار الکتب العلمیه. بیروت، ۱۴۱۵.
۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
۱۳. مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، ؛ صدرا تهران، ۱۳۸۸
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، : قم: صدرا، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۱۶.
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۱۶.
۱۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی در تاریخ ۱۳۷۶/۰۴/۲۵.
۱۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته دولت در تاریخ ۱۳۷۴/۰۶/۰۸.

۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۲/۰۵/۱۵.